

تحلیل جامعه‌شناختی خاطره‌داستان روز سانحه بر اساس الگوی زالامانسکی

مریم اکبری*

خلیل بیگزاده*

عیس نجفی*

چکیده

ادبیات همواره زمینه بازتاب عناصر فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است و برای آشنایی با ساختارهای یک جامعه می‌توان به آثار ادبی آن مراجعه کرد. رویکرد جامعه‌شناختی به ادبیات از رویکردهای نوین نقد ادبی است که تأثیر متقابل ادبیات و اجتماع را بررسی می‌کند. گونه ادبی خاطره‌داستان دفاع مقدس بخشی از رویدادهای جنگ تحمیلی و دفاع مقدس را بازآفرینی کرده و آگاهی‌های تاریخی مبتنی بر جامعه‌شناسی را درباره جامعه ایران نشان داده‌است. پژوهش حاضر با هدف تبیین شاخص‌های هویت ملی و دینی با تکیه بر الگوی پیشنهادی هانری زالامانسکی (جامعه‌شناسی محتواگرا) در خاطره داستان روز سانحه با رویکردی توصیفی-تحلیلی انجام شده و کوشیده‌است تا بر پایه گزارش یک دوره تاریخی و اجتماعی (دوران دفاع مقدس) پیوندهای راستین که میان جامعه و خاطره‌داستان روز سانحه وجود دارد، بیان کند. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که آموزه‌های دینی و مذهبی تشیع، نقش عمده‌ای در هویت‌بخشی به جامعه ایرانی دارند و مؤلفه‌های، صبر و شکیبایی بر مشکلات، شهادت‌طلبی، میهن‌دوستی، اعتقاد به باورهای دینی مانند توحید، نبوت، معاد و ... شاخص‌ترین مؤلفه‌های هویت جامعه ایرانی است که در روز سانحه نمود یافته‌است.

واژه‌های کلیدی: خاطره‌داستان، جامعه‌شناسی ادبیات، دفاع مقدس، روز سانحه.

* دانش‌آموخته دکتری دانشگاه رازی.

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی.

۱. مقدمه

اصطلاح «هویت» گستره‌ی معنایی وسیعی در علم جامعه‌شناسی دارد و ارائه‌ی تعریف کامل از آن امکان‌پذیر نیست، چنان‌که این اصطلاح محل مجادله‌ی بسیاری از صاحب‌نظران است. «گیدنز» معتقد است که «هویت عبارت است از خود شخص آن طوری که شخص از خودش تعریف می‌کند و در کنش متقابل با دیگران ایجاد می‌شود و در جریان زندگی پیوسته تغییر می‌کند. هیچ کس دارای هویت ثابتی نیست و همواره در حال ایجاد شدن و عوض شدن است» (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۵). در شکل‌گیر هویت هر شخص، عوامل مختلفی تأثیرگذار هستند؛ در حقیقت «شکل‌گیری هویت، فرایندی تاریخی است و مسائلی چون وقایع تاریخی، اجتماعی، جغرافیایی، فرهنگی (دین، زبان، آداب و رسوم) اقتصادی، سیاسی و علمی در آن دخالت دارند. ماهیت هویت هر ملت در طول تاریخ و در زمان‌های مختلف تغییر می‌کند» (حاجیان، ۱۳۸۹: ۹۶). بنا بر این «برقراری و متمایز ساختن نظام‌مند نسبت‌های شباهت و تفاوت میان افراد، میان جماعت‌ها و میان افراد و جماعت‌هاست که اصول پویایی هویت و زندگی اجتماعی را می‌سازد» (جنکینز، ۱۳۸۱: ۷). اما نقش دین نسبت به سایر مؤلفه‌ها در هویت‌بخشی انسان‌ها برجسته‌تر است. «هر چند دین نیز مانند زبان، نژاد و ... شاخه‌ای از فرهنگ است. ولی می‌توان دین را اولین منبع هویت‌بخشی یک جامعه محسوب نمود» (مالرب، ۱۳۷۹: ۱۳). بنابر این باید گفت که دین با ایجاد وحدت در بین مردم نقش بزرگی در هویت‌بخشی جامعه بشری ایفا می‌کند. از این‌رو در مطالعه‌ی هویت ایرانی، هرگز نمی‌توان از نقش دین و مذهب غافل بود.

افزون بر این، عوامل اجتماعی موجبات دگرگونی در بافت و هویت جامعه را فراهم می‌سازند و «بدون شک هرگونه تغییر اجتماعی، سیاسی، فرهنگی در یک جامعه بر ارکان گوناگون آن تأثیر می‌گذارد و این تأثیرگذاری سبب ایجاد برخی مبانی جدید در جامعه می‌شود. تغییر شرایط اجتماعی و برتری یک نوع جهان‌بینی و ایدئولوژی موجب دگرگونی در مضامین و به‌خصوص در سبک‌های هنری می‌شود» (راو‌داد، ۱۳۸۲: ۱۱۷). در تحلیل جامعه‌شناسی آثار ادبی برای شناخت بهتر آن به ساختارهای فرهنگی و اجتماعی حاکم در عصر شاعر و نویسنده توجه می‌شود و روابط موجود بین جامعه و موقعیت اجتماعی او نیز بررسی می‌گردد. از این روی، پژوهش‌های جامعه‌شناختی آثار ادبی و ارتباط آن با ذهن، امری ضروری است و افزون بر آن که نشانگر ذهن سازی جامعه است- چون این جامعه است که ذهن شاعرونویسنده را می‌سازد- بیانگر تأثیرپذیری متقابل جامعه پیرامونی و درون شاعر و نویسنده نیز هست و چندین نتیجه مؤثر را در شناخت ادبیات یک سرزمین در بر می‌گیرد؛ نخست آنکه ویژگی‌های جامعه و فرهنگ آن را در

گستره ادبیات می‌توان یافت. دوم آنکه آنچه در کارگاه ذهن شاعرو نویسنده به پردازش می‌رسد، فاش می‌گرداند و دیگر اینکه هویت ملی، فرهنگی و اجتماعی را به همراه مؤلفه‌هایش می‌شناساند.

بیان مسئله

جامعه‌شناسی ادبیات از شاخه‌های نوپای نقد ادبی و مطالعات بینارشته‌ای است که اثرگذاری جامعه و بافت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را در آفرینش آثار ادبی بررسی می‌کند. یکی از رویکردهای جامعه‌شناسی ادبیات، بررسی محتوایی اثر ادبی است و نظریه‌پرداز شاخص آن هانری زالامانسکی بر آن است که «تعیین و بررسی محتوای عقیدتی مجموعه‌ای از آثار در دورانی معین مدّ نظر است. به نظر وی مسئله اساسی و نخستین این است که در آغاز دریابیم چه چیزی به خوانندگان عرضه می‌شود؛ یعنی چه محتوایی به آنان انتقال یافته‌است؟ محتواهایی که همزمان بازتاب‌دهنده و سازنده آگاهی جمعی است، او نام این روش خود را جامعه‌شناسی محتوا می‌گذارد» (پوپنده، ۱۳۹۰: ۱۲۱). «به عبارت دیگر از محتوای کتاب‌ها می‌توانیم پی ببریم که چه چیزی برای انباشتن ذهن معاصران مان عرضه شده است و محیط زندگی فکری آنان را می‌آفریند؛ به همین سبب این محتوا عاجل‌ترین وظیفه جامعه‌شناسی ادبیات است.» (زالامانسکی، ۱۳۷۷: ۲۷۲). وی بر این باور است با تحلیل آثار هنری و ادبی دوران مختلف، افزون بر درک و دریافت پاسخ آنها به مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن زمان می‌توان دریافت که راهکار آنها برای حل آن مسائل چگونه بوده‌است؟ «ما با بررسی محتوای آثار معاصر، درمی‌ایم که مسائل دوران ما چگونه مطرح شده و چه راه‌حلی یافته‌اند. مجموعه این پاسخ‌ها که هر نویسنده‌ای در مقام یک فرد مطرح می‌کند، ما را با الگوهای عقیدتی‌ای آشنا می‌سازد که برای تأثیرگذاری بر آگاهی خوانندگان به آنان عرضه شده است» (زالامانسکی، ۱۳۷۷: ۲۷۳).

ادبیات دفاع مقدس در قالب‌های مختلفی چون شعر، داستان، رمان و خاطره‌داستان جایگاه قابل توجهی در ادبیات معاصر دارد و از بافت سیاسی و اجتماعی خاصی متأثر است. بر اساس نظریه هانری زالامانسکی، «اثر ادبی در جایگاه یک سند اجتماعی است. بنابر این هر چه ساختار اثر ساده و وجه اجتماعی آن آشکار باشد، حصول نتیجه جامعه‌شناختی از آن سریع‌تر میسر است» (زالامانسکی، به نقل از عسکری حسنکلو، ۱۳۸۷: ۵۱). پس «خاطره داستان‌ها با توجه به واقعی بودن موضوع و نیز با عنایت به مردمی بودن خطاب و حصرناپذیری آن به قشر و طبقه‌ای خاص، جان مایه واقعی‌ترین و مردمی‌ترین مصالح و مواد ادب مقاومت را در خود جای داده‌اند»

(انصاریان، ۱۳۸۳: ۱۵). از این رو دارای ارزش جامعه‌شناختی هستند و از این منظر می‌توانند بررسی شوند. «زیرا وقایع در شکل روایتی اهمیتی متفاوت می‌یابند، مرتب می‌شوند، گزینش می‌گردند و سرانجام برای القای معنایی خاص، ساخت معنایی پیدا می‌کنند» (کوثری، ۱۳۷۹: ۳۸).

روز سانحه از خاطره‌داستان‌های دفاع مقدس است که در روایتی داستانی، سرگذشت حسین و رضا به تصویر کشیده شده‌است. حسین و رضا برای آزمایش بمب به منطقه کردستان مأمور می‌شوند، اما هواپیمای آنها توسط گروهک ضد انقلاب دمکرات، هدف قرار می‌گیرد و آنها به ناچار در کوه‌های کردستان با چتر نجات فرود می‌آیند و به اسارت این گروهک درمی‌آیند. زندگی در تنگنای اسارت آنها را وادار می‌کند، برای آزادی خویش به تکاپو بیفتند. بنابر این بعد از چند ماه تصمیم می‌گیرند که فرار کنند، از این روی در یکی از شب‌های زمستان بدون غذا و لباس در سرمای شدید و یخبندان کوه‌های کردستان حرکت می‌کنند که حسین در حین فرار از کوه سقوط می‌کند، به شهادت می‌رسد و همانجا به خاک سپرده می‌شود. رضا هم بعد از طی مسافتی از کوه پرت می‌شود و یک پایش را از دست می‌دهد و پس از مدتی رنج و گرفتاری گروهک ضد انقلاب دمکرات او را به نیروهای دولتی ایران واگذار می‌کنند. نگاهی اجمالی به این خاطره داستان نشان می‌دهد که آنچه رنج اسارت را بر این دو اسیر آسان کرده؛ اعتقاداتی است که ریشه در شخصیت دینی و ملی آنها داشته‌است. این باورها همواره نقشی مهم در هویت‌بخشی جامعه ایرانی داشته و هویت دینی و ملی ایرانیان را شکل داده‌است. پژوهش حاضر هویت دینی و ملی را در خاطره‌داستان روز سانحه بر اساس رویکرد جامعه‌شناختی زالامانسکی با روش توصیفی-تحلیلی تبیین کرده و نشان داده‌است که شاخص‌ترین مؤلفه‌های هویت دینی و ملی در خاطره‌داستان مورد مطالعه عبارتند از الگوگیری از معصومین (ع)، شکیبایی و آگاهی، معادگرایی، راز و نیاز با خدا، آزمایش الهی، روحیه شهادت‌طلبی و میهن‌دوستی که نقشی ارزنده در بالابردن روحیه پایداری و مقاومت رزمندگان دفاع مقدس و آزادگان داشته‌اند.

۱-۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی در هویت ملی و دینی و جامعه‌شناختی ادبیات انجام شده‌است که عبارتند از: سرخوش و مرادی (۱۳۸۸) محتوای فیلم‌های مورد مطالعه را بر اساس نظریات جامعه‌شناسی هنر (نظریه بازتاب) و جامعه‌شناسی ادبیات (نظرات گلدمن و زالامانسکی) تحلیل کرده‌اند. امیری خراسانی و حسن‌پور (۱۳۸۹) که مهمترین عوامل ایستادگی و پیروزی رزمندگان بر دشمن مهاجم بررسی شده‌است و ثابت کرده‌اند که هویت دینی رزمندگان عامل اصلی پایداری در برابر

دشمن بوده و وحدت عقیدتی و عاطفی رزمندگان با خود و خانواده‌ها عامل تقویت روحیه مقاومت است. نوین (۱۳۹۰) مهم‌ترین محورهای اجتماعی- فرهنگی را در شعر پایداری بررسی کرده و معتقد است که مؤلفه‌هایی چون وطن‌دوستی، دفاع از اسلام، نبرد با دشمنان داخلی و خارجی، به تصویر کشیدن صحنه‌های دفاع مقدس، رخدادهای داخلی ایران، تفرقه‌افکنی و نفاق دشمنان داخلی و خارجی، فرصت‌طلبی سودجویان، نابودی ارزش‌های دفاع مقدس، دنیاطلبی برخی مردم و همراهی با مردم مظلوم جهان از مضامینی است که شعر اجتماعی دفاع مقدس به آن‌ها پرداخته‌است. عباسلو (۱۳۹۱) آثاری ادبی را که بیانگر رابطه ادبیات و اجتماع بوده، بررسی کرده و تصاویر زنده‌ای را با پرداختن به مضامین اجتماعی از جامعه زمانه خویش ارائه کرده‌است. عاملی رضایی (۱۳۹۲) ساختار و مناسبات درون نهاد خانواده را در رمان اجتماعی و واقع‌گرای دهه شصت بررسی کرده و معتقد است که نویسندگان چارچوبی از مناسبات کلان اجتماعی را با روی آوردن به مسائل خانوادگی ارائه می‌دهند و روابط خانوادگی را در رمان‌های دهه شصت بازگویی روابط سنتی می‌دانند. اما پژوهشی که جامعه‌شناختی مؤلفه‌های هویت ملی و دینی را در خاطره‌داستان «روز سانحه» بررسی کند، دیده نشد و پژوهش حاضر مؤلفه‌های هویت ملی و دینی را در خاطره‌داستان «روز سانحه» با تکیه بر آرای هانری زالا مانسکی از زاویه‌ای نو تحلیل کرده‌است.

۱-۳. ضرورت و اهمیت تحقیق

واکاوی ادبیات دفاع مقدس از ضروریات جامعه علمی و فرهنگی ایران است، زیرا دستاوردهای دفاع مقدس میراث فرهنگی انقلاب اسلامی است که باید به نسل‌های آینده منتقل شود تا مؤلفه‌های دینی و ملی را مانند وطن‌دوستی، شهادت، مقاومت، فداکاری، غیرت و ... را در آثار ادبی دفاع مقدس بشناسند.

۲. بحث و بررسی

تأکید علم جامعه‌شناسی ادبیات همواره بر تأثیر متقابل اجتماع و ادبیات از یکدیگر است، اما هانری زالا مانسکی بر محتوای آثار ادبی تأکید دارد که بر اساس نظریه وی جامعه‌شناسی ادبیات تغییرات و تحولات اجتماعی و سیاسی یک جامعه را بر اساس محتوای متن‌های ادبی تحلیل می‌کند. بنابر این از نگاه وی «اثر ادبی در جایگاه یک سند اجتماعی است» (عسگری حسنکلو، ۱۳۸۷: ۵۱) که این سند اجتماعی می‌تواند بسیاری از زوایای پنهان جوامع بشری را نمایان سازد.

خاطره‌داستان روز سانحه از منظر جامعه‌شناختی زالامانسکی یک سند قابل توجه است که تصویری کامل از جامعه ایران دوران دفاع مقدس را ارائه می‌دهد. چگونگی نبرد و اسارت رزمندگان دفاع مقدس در این خاطره‌داستان بیان شده است و آنچه نقشی اساسی دارد، روحیه بالا و خستگی‌ناپذیر رزمندگان و اسرای دفاع مقدس است که ریشه در تربیت دینی و ملی آن‌ها دارد و بیانگر هویت دینی و ملی ایرانیان در جنگ تحمیلی است. عدم توجهی بایسته به مؤلفه‌های هویت ملی نکته قابل ذکر در خاطره‌داستان روز سانحه است که توجه چندانی به شاخص‌های هویت ملی جز میهن‌دوستی نشده است و این رویکرد می‌تواند دستاورد ماهیت انقلاب اسلامی باشد که بیشترین توجه آن معطوف به امت واحده اسلامی است، چنان که در آثار ادبی دفاع مقدس «کمتر سخن از ایده‌ها و اندیشه‌های ملی‌گرایانه و ناسیونالیستی است، بلکه بیشتر به تبع ماهیت انقلاب اسلامی و استکبارستیزی مبارزه سمت و سویی دارد. مهمترین عامل پیوند لایه های مختلف مردم، هویت دینی است» (امیری خراسانی و حسن‌پور، ۱۳۸۹: ۳۴)، چنان که دین مهم‌ترین عامل ایجاد اقتدار در ایران است و ایدئولوژی انقلاب اسلامی نیز مبتنی بر دین شکل گرفته و هویت ملی بر اساس آن بازتعریف شده است.

۲-۱. الگوبری از معصومین (ع)

الگوسازی پیشوایان دینی (ع) بارزترین هویتی است که در خاطره‌داستان روز سانحه به آن پرداخته شده است؛ هویتی که عامل پیروزی بر ناملایمات بود و به روحیه شهادت‌طلبی منجر گشت، زیرا هراس از مرگ و اشتیاق به زندگی این جهانی در مکتب عاشورای حسینی جایگاهی ندارد، بلکه با تأسی از سیره سالار شهیدان در میان رزمندگان رواج یافت و هویتی شد که رزمندگان دفاع مقدس پیروزی‌های بزرگی را بر اساس آن در جبهه کسب کردند. بنابر این، شهادت‌طلبی رزمندگان دفاع مقدس از مؤلفه‌های هویت دینی و ملی مهمی است که پشتوانه آن آموزه‌های دینی و مذهبی است. ارزش‌هایی که رزمندگان ایرانی در دفاع مقدس بدان متصف بودند و عنصر اساسی برتری جبهه ایرانی در برابر جبهه باطل بعثی بود. امام (ره) در موضوع پایداری در برابر دشمنان به این نکته تأکید کرده و مردم را در مناسبت‌های مختلف به این مهم توجه داده‌اند که باید از پیامبر بزرگ اسلام (ص) و معصومین (ع) الگو بگیرند که با دشمنان در جنگ و گاهی در اسارت و زندان بوده‌اند: «مردم، پیغمبران و پیغمبر اسلام را و ابراهیم را در نظر بگیرند، ببینند که با آن‌ها چه مخالفت‌ها شد، ولی دست از هدفشان نکشیدند. اگر ما مسلمانیم، باید دنباله روی آن‌ها باشیم. دنباله روی از آنان که فقط روزه و نماز و مسجد نیست. دنباله روی از آنان مبارزه برای حفظ اساس اسلام است. باید برای حفظ اساس اسلام تا آخر ایستاد و

پیشروی کرد» (خمینی، ۱۳۷۰، ج ۱۹: ۵۶). رضا پیوسته به هم‌رزمش که در اسارت است، توصیه می‌کند که برای تحمل رنج و سختی اسارت از بزرگان دین تأسی بگیرد: «اغلب اوقات، بعد از گفت و شنودمان با یکدیگر وقتی به کناری می‌رفت تا استراحت کند، می‌گفت: خدایا! رضایم به رضای تو! به همین دلیل من او را گاهی رضای راضی صدا می‌زدم. بارها به من می‌گفت: حسین جان! ایمان واقعی یعنی این که پیامبر و امامان می‌اندیشیدند و عمل می‌کردند، تو نیز همان کنی. امام حسین (ع) با فداکاری جان خویش عزت اسلام را بالا برد، اگر به خاطر جان‌ش سازش می‌کرد که امام حسین (ع) نمی‌شد، تو نیز باید جانت را مخلصانه فدای آرمان ایران اسلامی کنی تا رهرو آن امام باشی» (معظمی گودرزی، ۱۳۷۶: ۸۴-۸۵).

ترک دنیا و گذر از تعلقات دنیوی را برای رسیدن به آرمان‌های بزرگ برای بزرگان دین یک اصل است، چنان که امام حسین (ع) جان خویش را در راه عزت اسلام فدا کرد. الگوگیری از معصومین (ع) در خاطره‌داستان روز سانحه امری واجب است که با همسان‌سازی اعمال و رفتار با سیره آن بزرگواران میسر خواهد شد: «این که ما بدانیم پیامبرانی از طرف خدا مبعوث شده‌اند و همه را بدون کم و کاست قبول کنیم، دلیل بر قبول اصل نبوت نمی‌شود، مگر این که علاوه بر این شناخت، دستورات آن‌ها را نیز بی چون و چرا گردن نهیم و همان گونه که آن‌ها عمل می‌کرده‌اند، عمل نماییم. اگر آن‌ها منافع عام را بر منفعت شخصی ترجیح می‌داده‌اند، ما نیز همان گونه باشیم. اگر مشی آن‌ها مبارزه با ظلم و ستم بوده‌است، ما نیز همین راه را پی بگیریم و اگر آن‌ها ما را به پرهیز از زراندوزی و دنیاطلبی فراخوانده‌اند، اجابت کرده و عمل نماییم» (معظمی گودرزی، ۱۳۷۶: ۱۵۱-۱۵۲). بارزترین مؤلفه هویت دینی ایثارگران اقتدا به امام حسین (ع) و بزرگداشت قیام عاشورا است که نشان می‌دهد، هویت دینی آن‌ها با این مؤلفه آمیخته است، چون این رویداد «فراتر از یک واقعه تاریخی است و در میان گروه‌های شیعه حتی در کشوری مثل آمریکا یکی از عناصر اصلی ابراز هویت به شمار می‌آید» (تکیم، ۱۳۸۴: ۱۸۱). در خاطره داستان روز سانحه بارها به این مؤلفه دینی اشاره شده و نشان می‌دهد که نقش قیام عاشورای حسینی در هدایت فکری و معنوی رزمندگان دفاع مقدس برای رسیدن به هدفی بزرگ که دفاع از آرمان‌های انقلاب اسلامی بوده، بسیار چشمگیر است: «قبل از من نیز تاریخ خونبار شیعه شاهد جانفشانی انسان‌های بزرگ و وارسته‌ای چون سالار شهیدان حسین بن علی (ع) و برادر بزرگوارش حضرت ابوالفضل (س) بوده که در راه اعتلای دین خدا به مسلخ عشق کشیده شدند و با بدنی مثله به دیار معبود شتافتند» (معظمی گودرزی، ۱۳۷۶: ۲۵۷). بازتاب این محتوا در متن خاطره‌داستان روز سانحه بیانگر سال‌های پرآشوب دوران دفاع مقدس، مظلومیت جامعه ایرانی و

پشتیبانی ابرقدرت‌های جهانی از دشمن بعثی است که موجب تداعی واقعه‌ی عاشورای حسینی و مظلومیت یاران وی شد، از این‌رو در بیان این مفاهیم نباید از تأثیر بافت سیاسی و اجتماعی غافل شد، زیرا «متن ادبی که بر بستر تلفیق زبان و سنن قومی رشد می‌کند، عامل وحدت و انسجام و تاریخ هنری یک ملت محسوب می‌شود و حتی آینه‌ی روزگار و تاریخ و فرهنگ ملت دانسته می‌شود» (عاملی رضایی، ۱۳۹۴: ۶۴).

۲-۲. شکیبایی و آگاهی

شکیبایی در پایداری و از خودگذشتگی رزمندگان هشت سال دفاع مقدس باعث شد، دشمن در برابر اراده‌ی آهنین این رویکرد انقلابی عقب‌نشینی کند. رنج شکیبایی و پذیرش مشکلات در کنار آگاهی از مؤلفه‌های هویت‌ساز دوران دفاع مقدس است که ریشه در باورهای دینی دارد، همان گونه که پیشوایان دینی و مذهبی (ع) در برابر مشکلات شکبیا بودند و با آگاهی موانع را پشت سر نهادند، رزمندگان دفاع مقدس شرایط سخت دوران جنگ را نیز با پیروی از آن‌ها برای خویش آسان کردند. بنابر این، شکیبایی و پایداری بر گرفتاری‌های ناشی از جنگ مانند دوری از بستگان، ترغیب خانواده‌ها به حضور فرزندان‌شان برای عزیمت به جبهه‌ها، تحمل سختی‌های محل استقرار، نبود غذای مناسب، پرهیز از تفریحات و مسافرت‌ها، استقامت در گرما و سرما و شدید بدون امکانات اولیه و ... باعث شد، این روحیه‌ی معنوی در روح و جسم رزمندگان تبلور یافته و در برابر سختی‌ها شکبیا بوده و سر تعظیم برای دشمن پایین نیاورده و دلاورمردانه از این مرز و بوم دفاع کنند: «رضا گفت: اگر حقیقت داشته باشد و در دنیایی دیگر عدالت برقرار باشد که حتما هست، به خدا قسم با نواختن این سیلی در گوشم به بهشت خواهم رفت، ... بهشت را به کسی خواهند داد که از خودش، از جان و مالش برای رضای خدا و آسایش بندگان او مایه بگذارد. وقتی آن پسرک سیلی به صورتم زد، تصمیم به عکس‌العمل گرفتم، ولی گویی به من الهام شد که باید به خاطر خدا تحمل کنم. غرور خود را شکستم و اهانت را تحمل کردم و الآن لذت می‌برم، زیرا در این معامله با خدا هیچ نفع دنیایی ندارم، ما برای پول و ثروت اینجا محبوس نشده‌ایم. احساس کردم او با تلقینات دارد با خودش مبارزه می‌کند تا به نوعی اهانت را قابل تحمل سازد، اتفاقاً بهترین وسیله را برای جبران مافات انتخاب کرده‌بود. مگر نه این که گفته می‌شود، ذکر خدا باعث آرامش قلب است. دیگر چیزی نگفتم تا او با خود تنها باشد و شاید چون مرتاضان به خلصه رود و آرام گیرد» (معظمی گودرزی، ۱۳۷۶: ۱۰۸-۱۰۹). بصیرت دینی،

ایمان راسخ به حقانیت و شهادت و معاد، اطاعت‌پذیری و فرمانبرداری از ولی فقیه از عوامل ارزشی و برگرفته از معنویت بود که در هدایت و نقش‌آفرینی‌های رزمندگان نقش ارزنده‌ای ایفا می‌کرد، چنان که در خاطره خلبان روز سانحه تحمل رنج به خاطر رضای خدا از ارزش‌هایی است که بهشت شایسته پاداش آن است.

۲-۳. معادگرایی قهرمانان روز سانحه

باور به زندگی اخروی اثرات مثبتی بر جامعه انسانی می‌گذارد و انسان‌ها در پرتو این باور به فضایی اخلاقی چون عدالت، ایثار، جان‌فشانی و مجاهدت برای برقراری عدالت و ... دست می‌یابند. باور به معاد از اهداف رسالت الهی است و در حقیقت تضمینی برای اجرای دستورالعمل الهی است که تأکید ائمه (ع) بر این باور نشان‌دهنده جایگاه مهم آن است: بیان این مضامین در خاطره‌داستان روز سانحه نشان از پیوند متن خاطره‌داستان با گرایش فکری حاکم بر جامعه ایران در سال‌های دفاع مقدس دارد و این رویکردی است که زالامانوسکی در نظریه جامعه‌شناسی خویش همواره بر آن تأکید کرده‌است: «جامعه‌شناسی ادبی، محتوا و درون‌مایه مطرح در آثار ادبی را به مثابه وسیله‌ای برای بررسی میزان انعکاس تغییر و تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مطالعه می‌کند از این رهگذر همچنین می‌توان به پیوندی که میان متن ادبی و گرایش‌های فکری و طبقاتی رایج در جامعه وجود دارد، پی برد (زالامانوسکی، به نقل از عسکری حسنکلو، ۱۳۸۷: ۵۱). «واقعیت امر جز این نبود که اگر جوانان پر شور و علاقه‌مند به حضور در جبهه‌ها، انگیزه شهادت‌طلبی و شوق وصال جانان را نداشتند، هرگز حاضر نبودند آن همه فداکاری و ایثار کنند» (منصوری لاریجانی، ۱۳۸۷: ۳۷۰). توجه به این مؤلفه دینی در دوران دفاع مقدس نشان می‌دهد که جامعه ایرانی در آستانه تحول فرهنگی و اجتماعی عظیمی بوده است. از این روی برای دستیابی به آرمان‌های انقلاب اسلامی در آن شرایط لازم بوده‌است، ناپایداری دنیا و لذت‌های گذرای آن تبیین شود و از پایداری دنیای اخروی و موهبت‌های ماندگار آن سخن گفته شود تا جامعه انقلابی ایران آماده دفاع از میهن اسلامی در برابر هجوم دشمن بعثی و متحدانش شود. «هدف آن است که با صورت‌برداری از محتواهای آثار معاصر و بررسی و رده‌بندی آن‌ها، کامل‌ترین مصالح ممکن را گردآوری کنیم و ببینیم که از این طبقه‌بندی به چه نتایجی می‌توانیم برسیم. هر نویسنده‌ای به مجموعه‌ای از پرسش‌های زمانه خود پاسخ می‌دهد» (زالامانوسکی، ۱۳۷۷: ۲۷۳).

معادگرایی قهرمانان در خاطره‌داستان روز سانحه از شاخصه‌های هویت دینی است که بر آن تأکید شده‌است: «آن طوری باید عمل کرد که انگار فردا روز معاد توست و قاضی خداست و باید

بازخواست شوی. در نتیجه به بازخواست مخلوقات او در مورد اعمالی که فکر می‌کنی درست است، نباید وقعی نهاد، همان گونه که به پاداش آنها نباید دل بست، زیرا بندگان لیاقت جزا و پاداش را ندارند، چون هرگز توان اجرای عدالت را ندارند و لذا عدل خاص خداست» (معظمی گودرزی، ۱۳۷۶: ۱۵۲). تنیدگی این باور نتایج ارزشمندی را برای ایران در دفاع مقدس رقم زد، چنان که آسیب‌پذیری جامعه ایرانی در این دوران نسبت به دوره‌های تاریخی دیگر اندک است. مجاهدت مردم و پیروزی در جنگ تحمیلی دستاورد بزرگی است که در پرتو اعتقاد عمیق و خالصانه به معاد و زندگی اخروی به‌دست آمده‌است.

۲-۴. راز و نیاز با خدا

زیباترین مبانی هویت دینی رزمندگان دفاع مقدس راز و نیاز با خداست که در سخت‌ترین شرایط نیز از آن غافل نبودند، چنان که بارها از آن در خاطره خلبان یاد شده است. پایداری رزمندگان برخاسته از ارزشهای اعتقادی آنها بود. ارتباط با خدا را هنگام گریز از دشمن یا در بدترین روزهای اسارت یا در بدترین شکل آزار شرایط جوی و یا در مجروحیت و عفونت و سیاهی بدن قطع نکردند و نمازشان قضا نشده که زیباترین جلوه ارتباط عاشقانه با خداست: «اگر چه خسته و رنجور بودیم و زمین سنگلاخ و ناهموار، ولی راز و نیاز با خدا علاوه بر ادای واجب دینی، موجب آرامش و ره توشه ما برای استقامت و پایداری در برابر ناملایمات بود» (معظمی گودرزی، ۱۳۷۶: ۱۳۳). یاد خدا مهمترین عنصر آرامش روحی و روانی در آن شرایط سخت بوده‌است. رزمندگان و شهیدان هنگامی که در این شرایط با خدا راز و نیاز می‌کنند، هیچ‌گاه در پی مطرح کردن مطلوب شخصی خویش در دنیای مادی نیستند: «شهید در راز و نیاز خود خواسته مشخصی ندارد و در پی برطرف کردن نیازهای این جهانی و آن جهانی خود نیست. در این موارد، تنها هدف آن گفت‌وگویی خالصانه و عاشقانه است که شهید و رزمنده در آن از عهد و پیمان خود با خداوند و عجز و ناتوانی خود در مقابل او سخن می‌گوید» (محمودی و قربانی، ۱۳۹۵: ۳۶۰) و این رویکرد در خاطره‌داستان روز سانحه دیده می‌شود: «عاقبت رو به سویی رفت که در آنجا تنها یاور درماندگان است، فانوس را برداشت و از چادر بیرون رفت، می‌دانستم که می‌خواهد در تنهایی خدا را ستایش کند و این بار از او مدد بگیرد. من در همان حال نمازم را خواندم و از فرط خستگی به خواب رفتم ...» (معظمی گودرزی، ۱۳۷۶: ۲۲۲). این مؤلفه برگرفته از تربیت دینی و قرآنی است که بندگان صالحش در اوج سختی از حکمت خداوند یاد می‌کنند. قرآن مجید تنها نسخه شفابخش اضطراب را یاد خدا می‌داند که از عوامل علاج آشفستگی و داروی بیقراری و افسردگی است: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ

مُبْصِرُونَ»؛ پرهیزگاران هنگامی که گرفتار وسوسه‌های شیطان شوند، به یاد خدا و پاداش و کیفر او می‌افتند و (در پرتو یاد او، راه حق را می‌بینند و) ناگهان بینا می‌شوند (اعراف/ ۲۰۱). «در حالی که با خودم در همان لحظات بحرانی به آن صورت راز و نیاز یا بهتر بگویم شکوه و شکایت می‌کردم. از طرفی گفته حق تعالی در خاطرم نقش بست که می‌فرمایند: «چه بسا چیزی بدتان می‌آید و آن چیز برای شما خیر است و چه بسا چیزی را دوست دارید ولی برای شما شر به دنبال دارد (معظمی گودرزی، ۱۳۷۶: ۲۳۱)».

۵-۲-۱. آزمایش الهی

آزمایش الهی از مؤلفه‌های هویت دینی است که خداوند بندگان مخلص را در پرتو تربیت دینی و متأثر از آموزه‌های قرآنی می‌آزماید، چنان که در دفاع مقدّس «ارزشهایی والا چون ایثار، اخلاص، توکل، امید، شجاعت و صبر مصداق یافت» (صنعتی، ۱۳۸۹: ۲۷). خلبان حسین همواره خود را در بوته آزمایش الهی می‌داند که باید با شکیبایی و الهام از قرآن کریم سربلند از آن بیرون آید: «با وضعیتی که برایم پیش آمده بود، خودم را در بوته آزمایشی سخت می‌دیدم. باید خوددار می‌بودم و به نوعی با وضعیت موجود کنار می‌آمدم. هر چند که توصیف آن لحظه‌های سخت برایم مشکل است، اما اگر الهامات برگرفته از مقدّسات و تعلیم عالی اسلام نمی‌بود، معلوم نبود که از این آزمایش الهی روسفید بیرون بیایم» (همان: ۲۵۶). دنیای پیرامون انسان‌ها سرشار از آزمایش‌های الهی و آدمی آزمون‌های پیاپی را در مراحل گوناگونی از زندگی پشت سر می‌گذارد، چنان که در آموزه‌های قرآنی بر این نکته تأکید شده‌است: «انْ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيَاتٍ وَّ اِنْ كُنَّا لَمُبْتَلِيْنَ» هر آینه در این داستان نشانه‌هایی است و تنها آزمایش کننده بودیم» (مؤمنون/ ۳۰).

دفاع مقدّس از عرصه‌های آزمایش مردان حق است که ویژگی وجودی رزمندگان دفاع مقدّس در این میدان آزموده شد، چنان که «با وقوع جنگ تحمیلی، اسلام انقلابی از سطح به عمق ارتقا یافت و شور انقلابی به شعور انقلابی تبدیل شد» (اردلانی، ۱۳۷۳: ۱۲۱). ایثار یعنی گذشت خالصانه از مصلحت خود؛ یعنی گذشتن از منفعت شخصی برای جلب رضای خدا و خلق خداچنان که خلبان روز سانحه اعضای بدن خود را از دست داده و در برابر مصیبت‌ها شکیبایی پیشه کرده و به قرآن متوسل شده‌است: «برای یک لحظه چشمانم را بر روی تمام زیبایی‌هایی دنیا بستم و آیاتی چند از قرآن مجید که انسان را به صبر و پایداری در برابر مصائب دعوت می‌کند، از صافی ذهنم عبور دادم. به یادم آمد که در کتاب آسمانی و سراسر حکمت (قرآن)، خداوند

برخی از آزمایش‌های بندگان را نقص در اموال و انفس قرار داده و حال به نوعی خود را مشمول این آیه و آیات مشابه آن می‌دانستم» (معظمی گودرزی، ۱۳۷۶: ۲۵۷-۲۵۶).

۶-۲-۱. روحیه شهادت‌طلبی قهرمانان روز سانحه

شهادت‌طلبی از شاخص‌های هویت دینی است که در جامعه دینی مطرح است، چنان که بخشی از عالی‌ترین مفاهیم ادبیات انقلاب را رنگی سرخ و روحی مقدس بخشیده است. پیامبر گرامی اسلام (ص) با ترویج فرهنگ جهاد و شهادت توانست نصرت و یاری خداوند متعال را با جمعی اندک از مسلمانان نخستین کسب کرده و بزرگترین ضربه‌ها را بر پیکر شرک وارد آورد و سبب تثبیت سریع اسلام شود. با گسترش فرهنگ جهادگری و شهادت‌طلبی است که لرزه بر اندام دشمن می‌افتد و از نفوذ در دژهای اسلام ناامید خواهد شد. مردم ایران بارها تمایل خود را به آخرین حد ایثارگری در مبارزه برای دفاع از کشور، مذهب، رهبر و انقلاب خود، یعنی پذیرش مرگ و شهادت نشان داده‌اند (بیل، ۱۳۶۷: ۴۲۰) تنها گسترش معنویت و رواج فرهنگ جهاد و شهادت است که استقرار عدل جهانی را در پی خواهد داشت و فاصله از این فرهنگ؛ یعنی ذلت و ذلالت جوامع و دور ماندن از قافله نور و هدایت: «گر چه ماه‌ها بود نمی‌دانستم اوضاع جبهه‌ها چگونه است، اما این احتمال قریب به یقین را می‌دادم که تفاوت فاحشی نداشته، زیرا ایران با اتکا به نیروی جوان و روحیه شهادت‌طلبی و ایمان قوی خلأ پیشرفته‌ترین سلاح جنگی و پشتوانه پولی را که از طرف شیوخ عرب منطقه و جهان غرب در اختیار عراق گذاشته می‌شد، پر کرده و موازنه را متعادل نگه داشته است» (معظمی گودرزی، ۱۳۷۶: ۱۷۷-۱۷۸). رزمندگان اسلام شهادت در راه دین و قرآن و رسیدن به لقاء الهی را بزرگترین افتخار می‌دانستند که نشانه ایمان راسخ برای مبارزه با ظلم است. وقتی قهرمانان داستان روز سانحه تصمیم به وصیت می‌گیرند شهادت را جدای از مردن می‌دانند: «من تصمیم گرفته‌ام وصیت بکنم، تو نیز اگر سفارشی داری به من بگو، هر کدام زنده ماندیم پیام دیگری را به خانواده‌اش برساند. به همین دلیل گفتیم: من و تو برای مردن خیلی جوانیم - حق با شماست برای مردن هنوز جوانیم، اما برای شهادت چطور؟ شهادت افتخار جوانان است...» (معظمی گودرزی، ۱۳۷: ۱۴۰). روحیه شهادت طلبی و ایمان قوی در دوران دفاع مقدس پشتوانه‌ای عظیم برای ایثار و فداکاری رزمندگان و امید به آینده بود. «استمرار حضور دین در حیات آدمی نشان از نوعی گرایش و حس مذهبی دارد که پیوسته در صدد رسیدن به معشوق آرمانیش است» (جیمز، ۲۵۳۶: ۲). شهادت را رهایی روح و جان از زندان جسم می‌دانستند که با وقوع این حادثه غرورآفرین شهید از زندان دنیا رها می‌شود و به جاودانگی نائل می‌آید. «ای کاش مرگ به سراغم می‌آمد و مرا نجات می‌داد! مرگ

مائده‌ای الهی است، اگر سر می‌رسید و مرا از رنج‌ها و محنت‌ها می‌رهانید، هرگز نمی‌نالیدم» (معظمی گودرزی، ۱۳۷۶: ۱۸۳).

۳-۲-۳. میهن‌دوستی

وطن‌دوستی و میهن‌گرایی ریشه در اندیشه تاریخی و دینی ملت ایران دارد، چنان که در آیین ادب فارسی تجلی یافته و حجمی از اشعار وطنی سروده شده تأییدی بر این موضوع است. کاکایی بر آن است که «یکی از زمینه‌های تفکر در شعر پایداری، وطن‌دوستی است، سرزمین برای شاعر همه چیز می‌تواند باشد؛ محمل خاطرات کودکی، محل عشق‌ورزی‌های جوانی و آرامگاه سال‌های سالخوردگی» (کاکایی، ۱۳۸۰: ۵۰). عشق و علاقه به وطن از ابزارهای هویت ملی رزمندگان هشت سال دفاع مقدس است که دفاع از آن را وظیفه خود می‌دانستند تا جایی که در راه آرمان و هدفشان از جان می‌گذشتند. مردم ایران در هشت سال دفاع مقدس بیش از هر زمان دیگر خود را در برابر وطن مسؤول می‌دانستند و با تمام وجود از سرزمین خود دفاع می‌کردند تا جایی که امام خمینی (ره) می‌فرماید: «ما در جنگ حس برادری و وطن‌دوستی را در نهاد یکایک مردمان باور کردیم» (خمینی، ۱۳۷۰: ۹۴). باورهای قهرمان روز سانحه در وجود یکایک ملت ایران مشاهده گردید و پاسداری از وطن آرمانی با عظمت است که ایثارگران برای آفرینش آن از جان خود دریغ نداشتند، چنان که در اعتقادات حسین خلبان به خوبی نمایان است: «شاید تصور شود کسی که روز اول به خدمت نظام مقدس پا می‌گذارد و می‌داند، مدافع دین و آیین و آب و خاک کشورش است و در راهی پا گذاشته که هر روز در صبحگاه به او متذکر می‌شوند که خود را باید فدای میهن و آرمان کشور کند، هرگز نباید برای انجام وظیفه؛ یعنی همان کاری که بدان جهت آماده شده ترسی به خود راه بدهد» (معظمی گودرزی، ۱۳۷۶: ۱۲).

یکی از بنیان‌های هویت هر جامعه دفاع از وطن است که نویسندگان و شاعران در دوره‌های مختلف در گیر و دار هجوم بیگانگان، استعمار و استبداد داخلی بوده و زبان به ستایش وطن و دفاع از آن گشوده‌اند، زیرا «سرزمین جزو مولفه‌هایی است که همواره از عناصر اصلی هویت‌ساز است، هایدگر جغرافیا را عامل بنیادی ملی می‌داند و معتقد است که هویت به واسطه پیوند هستی‌شناسی انسان به خاک و ریشه‌های بومی‌اش تعریف می‌شود و قطع شدن این ریشه‌ها، سبب بی‌خانمانی و بحران هویت در او می‌شود» (معینی علمداری، ۱۳۸۱: ۱۳). قهرمان روز سانحه سختی‌ها را با پاهای فلج تحمل می‌کند و چیزی که به وی آرامش می‌دهد، دیدن پرچم وطن است، چنان که می‌گوید: «از دیدن پرچم لذت می‌بردم و شوق عجیبی داشتم، در حالی که پرچم روی قله‌ای در اهتزاز بود، من نم‌نمک می‌گریستم. با این که خود را هنوز تحت حمایت

پرچم کشورم نمی‌دانستم، اما نوعی آرامش قلبی در خود احساس می‌کردم. گویی نیروی خارق-العاده‌ای مرا رهانیده و دیگر خود را اسیر نمی‌پنداشتم (معظمی گودرزی، ۱۳۷۶: ۲۱۱). این مشخصه جوهره هویت ایرانی در دوره‌های مختلف تاریخی است و رزمندگان اسلام «برای دفاع از دین و سرزمین خود به دفاع از وطن پرداخته و از مرزهای آن دفاع کرده‌اند و به موازات آب و خاک ایران از کیان اسلام و نظام اسلامی دفاع کردند، زیرا دفاع از سرزمین، دفاع از حاکمیت آن هم هست. شروع جنگ و اشغال قسمت‌هایی از سرزمین ایران سبب شد تا مردم فارغ از اختلافات دینی، سیاسی، قومی و مذهبی در برابر اشغالگران متعهد شوند و مقاومت کنند» (ورعی، ۱۳۷۰: ۹۲). احساسات قهرمان خاطره‌داستان روز سانحه به سرزمینش به آرامش مردمان کشورش و این که برای آسایش زندگی به او نیاز دارند و او زندگی خود را برای آرامش هم وطنانش می‌خواهد، از ارزش‌های رفتاری و اخلاقی مثبت ایرانیان است که نمادی از هویت ایرانی را نشان می‌دهد، «در رویکرد جامعه‌شناسی محتواها با صورت‌بندی و استخراج محتوا و درون‌مایه‌های آثار ادبی و بررسی و رده‌بندی آنها، مصالح لازم برای بررسی جامعه‌شناختی آثار ادبی فراهم می‌شود. از آنجا که هر نویسنده به مجموعه‌ای از پرسش‌ها و نیازهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حتی فلسفی زمانه خود پاسخ می‌دهد؛ بنابراین، با بررسی محتوای آثار خلق شده در یک دوره خاص، می‌توان دریافت که مسائل هر دوره در متون ادبی چگونه طرح شده اند» (نک: زالامانسکی، ۱۳۷۷: ۳۲۲). هم‌چنین «فرد به میزانی که از رشد و فرهنگ و خودآگاهی بیشتری برخوردار است، قدرت و امکان تغییر محیط و اصلاح و انقلاب اجتماعی را بیشتر دارا می‌باشد و توانایی آن را که خود سرنوشت خود و جامعه خود را بسازد و یا در ساختن آن سهیم باشد، بیشتر به دست می‌آورد و از همین جاست که مسئولیت و تعهد برای او بیشتر مطرح است» (شریعتی، ۱۳۷۱: ۴۳-۴۶)، چنان که در تبیین سیمای وطن‌دوستی قهرمان روز سانحه آمده‌است: «یک روز رضا گفت: «همسرم از خانواده‌ای ثروتمند است و از طبقه پولدار فرهنگ رفته. خانواده آن‌ها اعتقادی به آرمان ملی و اسلامی ندارند و معتقدند هر جا توانستی از آرامش بشری برخوردار شوی، برای زندگی همان جا را انتخاب کن! پیرو هر مذهب و مسلکی هم که باشی کسی مانع فرایض دینی تو نخواهد شد، همین اعتقاد بی وطنی در افکار همسرم نیز رسوخ کرده تا جایی که یک روز به من گفت: برادرم که در سوئد زندگی می‌کند، دکتری را می‌شناسد که می‌تواند بدون هیچ دردی کاری بکند که شما از پرواز کردن معاف شوید. پرسیدم: آن دکتر چکار می‌کند؟ او گفت: برادرم گفته زرد پی پای راست را بدون درد می‌برد، در نتیجه برای همیشه کمی می‌لنگی و دیگر نمی‌توانی پرواز کنی. پرسیدم: رضا تو چه جواب دادی؟ او گفت: هیچ، چیزی نمی‌توانم به آدمی بی وطن چون برادر زنم بگویم. فقط به همسرم گفتم:

تلقین‌های ننگین آن‌ها را هرگز بر زبان جاری نکن! زیرا من با سرمایه این مردم و این سرزمین رفته‌ام، دوره دیده‌ام تا در صورت لزوم از آن‌ها دفاع کنم. حالا تو گفته دکتر دوست برادرت را برای من تعریف می‌کنی؟ با تبسم و لحن شوخی گفتم: حالا چه فکر می‌کنی؟ آیا بهتر نبود زرد پی پایت قطع می‌شد تا این که دو چشم‌ت را کور کنند؟ او گفت؟ این دیگر دست من نیست، اما آن در اختیار من بود و حالا هم راضیم» (معظمی گودرزی، ۱۳۷۶: ۹۳). بر این اساس تکیه بر حفظ کیان سرزمین و دفاع از آن و ایجاد وحدت بین اقوام مختلف و نکوهش اندیشه‌های جدایی طلبانه از مقوله‌های هویت ملی رزمندگان دفاع مقدس بود که اولویت اصلی آن‌ها بود. «حسین می‌دانی که دختری دارم به نام «بانته‌آ» و او را خیلی دوست دارم. دلم می‌خواهد که او با فرهنگ و ادب ایرانی بزرگ شود و همیشه ایرانی بماند» (معظمی گودرزی، ۱۳۷۶: ۱۴۰). «به او سلام برسان و بگو پدرت تو را خیلی دوست داشت، اما بیشتر از تو، دین و سرزمینش و آنچه را به آن تعلق دارد، دوست داشت» (معظمی گودرزی، ۱۳۷۶: ۱۴۰). انسانی که وطنش را دوست دارد، اگر فرسنگ‌ها از آن دور باشد، باز هم تمام فکر او را به خود می‌کشد. با تمام وجود و با تمام غیرت می‌کوشد تا یک وجب از خاک وطنش را از دست ندهد، اما انسان بی هویت از هر تلاشی برای آینده کشورش دریغ می‌کند، چنان که یکی از دغدغه‌های حسین خلبان با این که از وطن دور بوده، اما تمام فکرش به وطنش معطوف بوده‌است: «مردمان محروم و فقیر جامعه برای حفظ و حراست سرزمین خود، همان سرزمینی که یک وجب از خاک آن به نام آن‌ها ثبت نشده، رفتند، جنگیدند و شهید شدند و آن‌هایی که هزاران متر را در تملک داشتند و میلیاردها تومان اندوخته پولشان بود، قدمی برای حفظ و حراست آن برنداشتند، حتی جنگ برایشان وسیله ای شد تا حریص تر شوند» (همان: ۹۱).

نتیجه‌گیری

بازتاب رخدادهای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی از دیرباز بخشی از محتوای ادب فارسی بوده‌است و آثار ادبی سندی ارزشمند برای شناخت جوامع بشری هستند و از این روی خاطره‌داستان‌های دفاع مقدس که برگرفته از خاطرات شفاهی رزمندگان ایرانی در طول هشت سال جنگ تحمیلی است، از ارجمندترین سندهای ارزشمند ادبی جنگ و دفاع مقدس هستند. دفاع مقدس از رخدادهای بزرگ قرن حاضر است که هویت ایرانی و اسلامی را در گونه ادبی خاطره‌داستان تعریف کرده و هویت تازه ایرانی و اسلامی را بازتاب داده‌است. دفاع رزمندگان ایرانی در جنگ تحمیلی و دفاع مقدس برخاسته از هویت ملی و دینی آن‌هاست، چنان که در پاسداری از میهن و دین با تکیه بر باورهای ملی و اسلامی مبارزه و جهاد می‌کردند. بر این اساس، عناصری

مذهبی مانند پیروی از دستورات الهی و رازهای عارفانه با خدا و نیازهای عاشقانه به خدا، اعتقاد به معاد و روز بازگشت علاوه بر ایجاد فضای معنوی، الگوگیری از شهادت سالار شهیدان (ع) در حادثه کربلا، پایداری حضرت زینب (س) قهرمان کربلا و شام از مهم‌ترین عوامل مقاومت خلبانان و پذیرش رنج اسارت بوده‌است که از عناصر اصلی توانمندسازی آن‌ها برای شکیبایی و پایداری به هنگام اسارت بوده‌است. بنابر این، بازتاب پایداری در مبارزه و نیز پذیرش رنج اسارت بارزترین هویتی است که در خاطره داستان روز سانحه بسامد یافته‌است. البته از بین عوامل مختلف در شکل‌دهی به هویت قهرمانان داستان، نقش عوامل معنوی برتر از عواملی چون سرزمین، زبان، تمدن، تاریخ و ... است.

پی‌نوشت

۱. «لایمان اربعه ارکان؛ الصبر و الیقین و العدل و الجهاد؛ برای ایمان چهار پایه است که عبارتند از صبر، یقین، عدل و جهاد در راه خدا» (نهج البلاغه، ۲۰:۱۳۸۷)

منابع

- قرآن کریم.

- نهج البلاغه.

- آدورنو و همکاران (۱۳۷۷). **درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات**. ترجمه محمدجعفر پوینده، چاپ اول، تهران: نقش جهان.

- اردلانی، حسین (۱۳۷۳) «برخی ارزش‌ها و ثمرات جنگ تحمیلی»، **مجموعه مقالات جنگ تحمیلی**، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد، صص ۱۱۷-۱۴۱

- امیری خراسانی، احمد و حسن‌پور، عسکر (۱۳۸۹). «مولف‌های پایداری در سیمای شخصیت‌های دفاع مقدس». **ادبیات پایداری**، سال ۱، شماره ۲، صص ۳۱-۴۴.

- انصاریان، احمد (۱۳۸۶). «گامی در راه علمی شدن خاطره‌نویسی» **مجموعه مقالات**، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.

- بیل، جیمز (۱۳۶۷). «جنگ، انقلاب و روحیه، قدرت ایران در جنگ خلیج فارس»، **مجموعه مقالات بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع**، جلد ۲، تهران: دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع.

- پوینده، محمدجعفر (۱۳۹۰). **جامعه‌شناسی ادبیات**. چاپ دوم، تهران: نقش جهان مهر

- تکیم، لیاقت‌علی (۱۳۸۴). «تشیع آمریکا و تأثیرپذیری از عوامل خارجی». **مجله شیعه شناسی**، شماره ۹، صص ۱۷۹-۲۰۴.

- جیمز، ویلیام (۲۵۳۶). **دین و روان**، ترجمه مهدی فائنی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱). **هویت اجتماعی**، ترجمه تورج احمدی، تهران: شیرازه.
- حاجیان، ابراهیم (۱۳۸۹). «کنکاشی در هویت ایرانی»، **مجموعه مقالات**، چاپ اول، تهران: انتشارات کمیل.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۰). **صحیفه نور**، ج ۱۲ و ۱۹، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- راودراد، اعظم (۱۳۸۲). **نظریه‌های جامعه‌شناسی هنر و ادبیات**، تهران: دانشگاه تهران.
- سرخوش و مرادی (۱۳۸۸). «تحلیل محتوای اجتماعی آثار مسعود کیمیایی و داریوش مهرجویی»، **مجله پژوهش اجتماعی**، شماره ۲، صص ۱۳۵-۱۶۳.
- شریعتی، علی (۱۳۷۱). **مجموعه آثار**، ج ۵، تهران: انتشارات الهام.
- صنعتی، محمدحسین (۱۳۸۹). **آشنایی با ادبیات دفاع مقدس**، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس.
- عباسلو، احسان (۱۳۹۱). «رویکرد جامعه‌شناختی». کتاب ماه ادبیات، سال ۱۷، شماره ۵۲، صص ۷۷-۸۲.
- عاملی رضایی، مریم (۱۳۹۲). «بررسی و تحلیل ساختار مناسبات خانوادگی در رمان‌های اجتماعی دهه شصت». **ادبیات پارسی معاصر**، سال ۳، شماره ۳، صص ۲۷-۵۰.
- عاملی رضایی، مریم (۱۳۹۴). «الگوی پیشنهادی برای تطبیق نظریه جامعه‌شناسی با ساختار ادبی- اجتماعی رمان فارسی»، **ادبیات پارسی معاصر**، سال ۵، شماره ۱، صص ۶۳-۸۴.
- عسگری حسنکلو، عسگر (۱۳۸۷). **نقد اجتماعی رمان معاصر فارسی با تأکید بر ده رمان برگزیده**. چاپ اول، تهران: فرزانه.
- کاکایی، عبدالجبار (۱۳۸۰). **بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان**. تهران: انتشارات پالیزبان.
- کوثری، مسعود (۱۳۷۹). «خاطره‌نویسی، تحلیلی جامعه‌شناختی در هنر و ادبیات جنگ». **کتاب ماه و هنر**، سال ۷، شماره ۸۷، صص ۲۸-۴۵.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷). **تجدد و تشخص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید**، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- مالرب، میشل (۱۳۷۹). **انسان و ادیان** (نقش دین در زندگی فردی و اجتماعی)، ترجمه مهراں توکلی، تهران: نشر نی.
- معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۸۱). «تجلی وجدان تاریخی در بوم: هایدگر و سرچشمه‌های تاریخی- مکانی هویت»، **فصلنامه مطالعات ملی**، شماره ۱۴، صص ۹-۲۸.

-معظمی گودرزی، عزت‌الله (۱۳۷۶). **روز سانحه**، تهران: انتشارات عقیدتی سیاسی نیروی هوایی ارتش

- منصوری لاریجانی، اسماعیل (۱۳۸۷). **آشنایی با دفاع مقدس**، تهران: انتشارات خادم الرضا (ع).
-محمودی، مریم و قربانی، حسن (۱۳۹۵). «بررسی صبغه عرفانی مناجات‌های شهدای دفاع مقدس»،
ادبیات پایداری کرمان، سال ۸، شماره ۱۵، صص ۳۵۳-۳۷۳.

- نوین، حسین (۱۳۹۰). «رویکردهای جامعه‌شناختی در شعر پایداری دفاع مقدس». **کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی**، سال ۱۲، شماره ۲۳، صص ۲۱۹-۲۴۱.

- ورعی، سیدجواد (۱۳۸۲). «مبانی فقهی دفاع از سرزمین‌های اسلامی» **مجله حکومت اسلامی**،
سال ۸، شماره ۲۸، صص ۴۲-۷۱.